

قادر نبودیم پروژه گاز پارس جنوبی را هم با امکانات داخلی انجام دهیم؟ و البته این نکته را هم انکار نمی کنیم که می توانستیم در هر زمینه ای که کمبود داشتیم، مانند پروژه نار و کنگان از شرکت های خارجی برای برطرف نمودن کاستی ها کمک بگیریم؟

۲) بطور مشخص، هدف های مهم طرح قراردادهای سرمایه گذاری خارجی، جذب منابع مالی و نیز انتقال تکنولوژی نوین در صنعت نفت می باشد. لیکن از ماهیت قراردادهای بیع متقابل چنین بر نمی آید که سرمایه گذار ملزم به انتقال تکنولوژی نوین باشد و اساساً بطور طبیعی نیز فاقد چنین انگیزه ای است. با توجه به اینکه تکنولوژی در سه مرحله طراحی و ساخت و نصب مطرح است، آیا در قرارداد مذکور این امر چگونه پوشش داده شده است؟

مسلم است که اگر در فاز ۲ و ۳ پارس جنوبی در سه مرحله طراحی، ساخت و نصب شرکت نداشته باشیم و انتقال تکنولوژی صورت نگیرد، بقیه فاز های حوزه مذکور را نیز ناچار باید از طریق عقد قراردادهای مشابه و تقلیدی و صرف هزینه های کلان به انجام رسانیم.

۳) اگر ماهیت قرارداد توتال «سیاسی - امنیتی» است و شرایط ویژه ایجاب می نمود که امتیازات ویژه ای داده شود تا محاصره آمریکا شکسته شود. آیا پس از شکستن این محاصره و برون رفت از شرایط ویژه، تعمیم شرایط این قرارداد منجمله ضریب بازپرداخت هزینه و بهره و پاداش (۱/۸۲) به سایر قراردادهای بیع متقابل امری منطقی و معقول است؟
۴) چه لزومی دارد که مجلس شورای اسلامی گمیتی مانند ضریب ۱/۸ را برای این سرمایه گذاریها تعیین کند؟ آیا با این کار قنوت چانه زنی شرکت ملی نفت را در مذاکره با مقاصله کاران خارجی پایین نمی آورد؟

۵) با توجه به آن که توسعه میدانهای گازی در مرز مشترک و در دریا قرار دارند، به منافع ملی ما نزدیکتر، و توجیه پذیرتر و ضرورت انجام آنها بیشتر است، چرا در عقد قراردادهای آنها اولویت داده نمی شود؟

۶) در گزارش وزارت نفت آمده است که بیع متقابل، مالکیت و حاکمیت مسابرا بر منابع و تولید در بر دارد. گزارش مرکز پژوهش های مجلس نیز آن را تایید کرده است، ولی از آنجا که بازپرداخت سرمایه گذاری باید از محصولات همین میدان تامین

گردد. بنابراین در شرایطی که قیمت نفت پایین باشد، مجبوریم تولید بیشتری برای بازپرداخت تصد خود انجام دهیم. (تجربه ونزوئلا و نقش آن در کاهش فاحش قیمت نفت در سال ۷۶) بنا بر این مکانیزم در چنین شرایطی آیا حاکمیت ملی ما بر امر تولید مخدوش نمی گردد؟
۷) آیا طولانی تر شدن زمان طرح توسط پیمانکار، مشمول جریمه و پرداخت خسارت قرار می گیرد؟

۸) از آنجا که در قراردادهای برای ترغیب پیمانکار به کاهش هزینه ها، سود یا زیان (۱۰٪) را منظور می نمایند، چنانچه کمیته ناظر بر هزینه ها بخواهد نظارت کافی اعمال نماید، این امر طبیعتاً مستلزم صرف وقت و در مواردی کندی کار و عدم پیشرفت پروژه خواهد بود که واکنش پیمانکار و افزایش فشار او را بر کمیته مذکور در بر خواهد داشت. در عمل دیده شده است که این نوع کمیته ها با توجه به تعجیل در امر بهره برداری، تابع شرایط پیمانکار خواهند شد. در این صورت که سرعت انجام پروژه، نقش اصلی را بازی می کند، چه مکانیزم اطمینان بخشی جهت کنترل دقیق هزینه ها پیش بینی شده است که پیمانکار نیز تسلیم آن باشد؟

محافظه کاران ایران در عرصه سیاست جهانی

«محسن یحوی یکی از نمایندگان محافظ کار مجلس ایران که عضویت نفت نیز دارد، بر این اعتقاد است که شرکت های آمریکایی به شرط آنکه بیک سیاسی دولت آمریکا نباشند، برای امر سرمایه گذار در ایران مورد استقبال قرار می گیرند.» «مید ژوئن ۱۹۹۹»
در این رابطه اواخر خرداد ماه سال جاری حبیب اله عسگرانی دبیر کل جمعیت «ولفه اسلامی در کنفرانسی مطبوعاتی گفت: ما معتقدیم که اگر آمریکا، انقلاب اسلامی ما، رهبری ما و نظام ما را پذیرا شود و برای ما احترام متقابل قایل شود، و در گام نخست آنچه را که از این کشور به نیما برده، برگرداند، شرایط برقراری رابطه فراهم خواهد شد.

بیش از این محدودیاد لاریجانی برقراری روابط با آمریکا را بسته به شرایطی بسته بود که در آن قرار گرفته بود. این نکته تأکید ورزیده بود که اگر منافع ما ایجاب کند، برقراری روابط مجدد با آمریکا در صورت نیل به اهداف سیاسی و اقتصادی ما در عرصه بین المللی، بر این اعتقاد است که دولت خاتمی در توفیق بی سابقه ای از جمله تشیع زدایی در منطقه و گفت و گوی تمدنها به جای درگیری تمدنها داشته است. برخی از آگاهان سیاسی از مجموع مواضع جناح موسوم به محافظه کار در رابطه با سیاست خارجی و نزدیکی به غرب و آمریکا اینگونه استنتاج می کنند که جناح فوق در صدد نشان دادن این نکته به غرب و آمریکا است که خاتمی سیاستی را اتخاذ کرده که خواهان گشودن روابط با غرب است، تا بدین وسیله وجه ممیزه برتری خاتمی در صحنه سیاست خارجی را مخدوش کند. به مواضع این نشانات معاون وزارت امور خارجه آمریکا که نزدیکی به جریانهای تجاری سنتی خاورمیانه را تجویز کرده بود، به نظر می رسد که سیاست خاتمی در صحنه سیاست خارجی و نزدیکی به غرب، تا بدین جناح که توأم با احتیاط سیاسی می باشد، پاسخی به مواضع این نشانات است. اگر پافشاری جناح محافظه کار، در اتحاد ایران و آمریکا علیه رژیم عراق صحت داشته باشد، در آن صورت می توان گفت که این مواضع بلندی عرصه سیاست جهانی برداشته است. اتخاذ چنین مواضعی این تصور را در نزد آمریکاییها دامن می زند که بین جناح های ایران رقابت بر سر نزدیک شدن به آمریکا وجود دارد. که نتیجه آن افزایش فشار آمریکا بر ما خواهد بود.